

گذر از ارتباطات موسم اجتماعات

پای صحبت دبیران جامعه‌شناسی استان خراسان رضوی

اشاره

به میان دبیران علوم اجتماعی استان خراسان رضوی رفتیم، از تجربه‌مداران و هوشمندان بزرگسال این دانش آغاز کردیم و به جوانان جویای علم و اندیشه رسیدیم آنان که تجربه‌ای سترگ را در پیش‌روی دارند و با اندیشه‌های تازه به عرصه علم وارد می‌شوند. موضوع بحث‌مان عدالت در کتاب‌های درسی بود اما دغدغه‌های آنها ما را به نقد کتاب‌های تازه تألیف جامعه‌شناسی کشاند. عزیزان ما در دفتر تألیف حتماً توضیحات روشن‌گرانه‌ای ارائه خواهند کرد تا همگان هم دبیران محترم و هم دانش‌آموزان عزیز از آن بهره‌جویند.



● **آقای حسینی، تأثیر پذیری و تأثیر گذاری اجتماعی در رشد و تربیت اجتماعی دانش آموزانی که شما دارید و دارای موقعیت خاص اجتماعی هستند، را چگونه می بینید؟**

حسینی: یکی از مسئله‌ها تقسیم استانی است. وقتی استان خراسان تقسیم شد، ۵۰۰ هزار نفر شدند خراسان جنوبی، یک میلیون نفر شدند خراسان شمالی، یک میلیون نفر هم شدند خراسان رضوی! عملاً در نتیجه این انتخاب، رسیدگی به استان خراسان رضوی هزینه بیش تری می برد زیرا «زائر» با «توریست» فرق می کند. از زائر می پرسید: «چرا رفتی زیارت کربلا؟» می گوید: «امام حسین مرا طلبیده بود». زائر به اندازه توریست پول خرج نمی کند. من این بحث را مطرح کردم که زائر نباید برای مشهد بار باشد، هر چند محترم است.

از دید معنوی قدم روی چشم ما می گذارد، ولی از دید اجتماعی برای مشهد بار است یعنی آمیختگی خرده فرهنگ‌ها و چیزهایی که در محل خودشان هنجارند اما مثلاً در اینجا ناهنجارند این‌ها مسئله ساز می شود یا مثلاً خدماتی که ما تحمیل می شود و مثلاً زوار همه جا سوار اتوبوس می شوند و مردم مشهد باید آویزان اتوبوس شوند. شهرستانهای دیگر توریست دارند و توریست پول اضافی دارد و ارزش افزوده ریالی به بار می آورد و به جا می گذارد و می آید پول خرج می کند و به نفع آن شهر هم می شود.

● **شما می فرمایید ارتباط معلم و دانش آموز دچار اشکال است و ارتباط دوطرفه وجود ندارد؟**

حسینی: یکی از اشکالات ما این است که همه معلولها را به عنوان علت می گیریم، در حالی که علتها چیز دیگری هستند. گاهی آدمها ناراضی هستند، ولی نمی دانند از کجا. مردم مشهد خود را با شهرستانهای دیگر مقایسه می کنند، ولی نمی دانند مقصد کجاست. فکر می کنند مدیر مشکل دارد! اگر توریست بیاورد و پول خرج کند، این پول به همه می رسد و رضایت عمومی پدید می آورد!

همین ناهمگونی که در ساختار فرهنگی ناشی از خرده فرهنگ‌های عبوری مثل مهاجران افغان و مسافران پاکستانی و ... در شهر مشهد وجود دارد، در آموزش و پرورش بچه‌ها مشکل ایجاد می کند.

● **خانم مهدوی مخاطب شما دختر خانمها هستند. رابطه عدالت اجتماعی و اقتصادی را و تأثیری که آموزش کتاب جدید شما روی دانش آموزان می گذارد، چگونه است؟**

مهدوی: کتاب جامعه‌شناسی سال دوم تغییر کرده و برای بچه‌ها مشکل شده است. بچه‌ها از الان می گویند خانم ما از سال دیگر به رشته انسانی نمی رویم. اگر جامعه‌شناسی سال سوم هم به همین سختی باشد ما به رشته انسانی نمی رویم.

● **ممکن است سرفصلهایی از مشکلات بچه‌ها با این کتاب را بفرمایید؟**

مهدوی: مباحث فلسفی زیادی دارد؛ مخصوصاً فصل آخر آن؛ انواع شناختهای شهودی، انواع شناخت اجتماعی شهودی و عقلی که اینها را

در فلسفه سال سوم به عنوان پایه می خوانند و جلوتر به صورت سربسته، در کلاس دوم می خوانند. حجم مطالب هم زیاد است و خیلی باید مطالب را برای آنها باز کنیم که متأسفانه فرصت نیست. کتاب راهنمایی هم که فرستاده‌اند، کار را پیچیده تر کرده است. یعنی قبل از این که یک جامعه‌شناس باشیم، باید یک فیلسوف باشیم! البته جامعه‌شناسی هم یک حالت فلسفی دارد، ولی مباحث خیلی پیچیده ترند.

● **خانم عظیمی شما نظر تان را درباره موضوع بفرمایید.**

عظیمی: بحث ریشه‌های این است که اصلاً به علوم اجتماعی اهمیت داده نمی شود. این رشته در دنیا جزو رشته‌های برتر است، اما در کشور ما متأسفانه تنبل ترین بچه‌ها به رشته علوم اجتماعی می آیند و وارد نظام می شوند. مانند نمایندگان مجلس و وزرا که همه از رشته‌های غیر علوم انسانی و علوم اجتماعی هستند. به خاطر این که افراد ضعیف به رشته‌های علوم اجتماعی می آیند و در عرصه علوم سیاسی افراد قوی می خواهیم. معلم تاریخ می آید در شهرستانها جامعه‌شناسی درس می دهد، در صورتی که کتاب جدید خیلی سخت و پیچیده است. دید ما نسبت به جامعه‌شناسی از بالا تا پایین خوب نیست!

● **شما با این کتاب می توانید با شاگردان خود ارتباط برقرار کنید یا نه؟**

عظیمی: هدف کتاب این است که دید مثبت بچه‌ها نسبت به جامعه و فهم اجتماعی آنها تقویت شود! البته نحوه تدریس هم خیلی اهمیت دارد! من باید از شعرا و مثالهای اجتماعی استفاده کنم تا بتوانم مفهوم را جا بیندازم. حتی مسائل خارج از حیطه جامعه‌شناسی را مطرح می کنم تا دانش آموز موضوع را بفهمد. اما با این حال مطلب کتاب خیلی سنگین است و بچه‌ها با کتاب مأنوس نمی شوند.

● **آیا جامعه دختران ما همان مسائلی را دارد که جامعه پسران دارد؟**

عظیمی: دختران در این مسائل خیلی دقیق تر هستند. ما جامعه‌شناسی تفهیمی و جامعه‌شناسی اثبات گرایی داریم. در انتخاب مباحث و سرفصل‌های جامعه‌شناسی عدالت توزیعی رعایت نشده است.

● **آقای صالحی شما چه طور؟**

صالحی: عرض شود که من دو سؤال دارم: یکی بحثی که آقای حسینی مطرح کردند. من فکر می کنم چنین جلسهای تشکیل شده است که راهکارهایی پیدا کنیم. من فکر می کنم اولین کاری که در مجلات رشد باید کرد، این است که مخاطبان این نشریه را بخوانند.

همدانی: مسئله این است که خیلی پیش ترها برخی جریان‌ها مطالبی مطرح می کردند که همان اندیشه‌های غربی بود و با ساختارهای کنونی و زیرساخت‌ها و پارادایم‌های عاطفی و مفهومی ما هم‌سازی نداشت. حالا آمدند در این حوزه کار کردند، ولی متوجه شدند چیزی موجود نیست؛ چون جهان



اسلام در این زمینه‌ها کار نکرده است. چند کتاب محدود در این زمینه بیشتر نداریم و باید آنها را به متن آموزشی برای معلمین تبدیل کنیم. این کمبودها و مشکلات دوستان مجله رشد از نظر منابع بود. ما سعی کردیم به مبانی دینی نزدیک‌تر شویم! شما می‌دانید خاستگاه علوم اجتماعی جدید دنیای غرب است. ما تلاش می‌کنیم که وارد حوزه‌های اسلامی-ایرانی شویم.

صالحی: بیش از ۱۰ سال از ورودم به تربیت معلم نمی‌گذرد و بیشتر در دوره راهنمایی تجربه دارم. خوش‌بختانه من در روستایی درس می‌دهم که معلم به آنجا نمی‌رود. به نظر من، یکی از تضادهایی که در همه استانها و شهرستانها وجود دارد، تضاد روستایی و شهری است. در شهرهای ما، اکثر دانش‌آموزان به اینترنت، تلویزیون، ماهواره و... دسترسی دارند و منابع اطلاعاتی دانش‌آموزان خیلی متعدد است. آن‌ها با مفاهیم جدید آشنا می‌شوند. ۱۰ سال پیش که خود من دانش‌آموز بودم، اصلاً این‌گونه نبود. در حالی که معلمهای ما همان معلمهای سابق هستند و خیلی از آنها حتی کار با رایانه را هم به خوبی بلد نیستند. یعنی این انبوه مفاهیم جدید حوزه علوم اجتماعی که دائماً در حال افزایش است باید در مجله‌تان بیاید و ساده‌سازی شود یا مثال‌ها و شواهد و نمونه‌های آموزشی قابل یادگیری شود تا آن نقیصه جبران شود.

این طبیعتاً در شهرهای ضعیف مشکلات زیادی ایجاد می‌کند. زمانی این مشکلات به فاجعه تبدیل می‌شوند که خود معلم کتابی را که می‌خواهد درس بدهد، بلد نیست! وقتی خود معلم بلد نیست، نمی‌تواند مثال خوب بزند یا داستان خوبی بیاورد، یعنی ما غذایی را آورده‌ایم که معلم بلد نیست به دانش‌آموز بگوید چگونه آن را بخورد! خود معلم هم چون نمی‌داند چگونه بخورد، خوب طبیعتاً خوشش نمی‌آید و می‌خواهد زود رد شود. دانش‌آموز هم می‌بیند فهم درست و خوبی ندارد، از آن رد می‌شود. حجم کتاب هم زیاد است و نمی‌توانند آن را بخوانند.

خانمها و آقایانی که در کلاس‌های آموزشی کنکور سراسری، بیشتر درس داده‌اند می‌دانند، رشته علوم اجتماعی درسی است که می‌رود تحت‌الشعاع رشته‌های فیزیک و ریاضی و عربی قرار می‌گیرد. زمانی که من اول دبیرستان را تمام کردم، دلم می‌خواست در رشته علوم انسانی تحصیلم را ادامه بدهم، همه اقوام می‌گفتند نرو! روز آخری که رفتم نمراتم را بگیرم، فکر نمی‌کردم قبول شوم. یعنی محیط و جو اجتماعی ما با این قضیه مشکل دارد! حالا با آنکه بچه‌های ما هنوز با مفاهیم ارتباطی خودی آشنا نشده‌اند چون به روستاهای ما، با رفت و آمد زیادی که به شهرها دارند، ماهواره آمده است. روستا دارد بخشهایی از فرهنگ شهری ارتباطی غربی را می‌گیرد که اصلاً به نفع آینده‌ی وفاق اجتماعی و تفاهم و عقلانیت ارتباطی گفتمان ملی این کشور نیست!

منظور تان این است که روستایی پیشرفته به معنی شهری شدن نیست؟

صالحی: الان من نمی‌دانم اسم روستاهای ما را باید روستا گذاشت

یا شهر. نه شهر هستند نه روستا! مثلاً روابط دختر و پسر خارج از عرف اسلامی ایرانی اصیل باشد، متأسفانه وجود دارد و در حال گسترش است. اتفاقاتی که در این روستاها دارد می‌افتد عجیب است. هنجارها و ارزش‌ها دارد دگرگون می‌شود!

شما به عنوان دبیر، چه تأثیر مثبتی برای جلوگیری از این روند می‌توانید بگذارید؟

صالحی: بسته به موضوع، نوع برخورد ما با دانش‌آموز متفاوت می‌شود. مثلاً من در دوره راهنمایی درس می‌دهم. این دانش‌آموزان در سن بلوغ و در بحران این دوره هستند. از طرفی در روستا مردم خیلی درس نمی‌خوانند و حتی دو سه بار معلم از روستا فرار کرده است.

خانم مهدوی دغدغه‌های آموزشی شما چیست؟ با توجه به نوع دانش‌آموزانتان.

مهدوی: البته چون من در ناحیه ۱ مشهد تدریس می‌کنم، اغلب خانواده‌ها از طبقات پایین هستند؛ افغانی هم خیلی زیاد داریم. کتاب مطالعات اجتماعی اول خوب است و می‌تواند تأثیر زیادی بگذارد و از طریق این کتاب و جامعه‌شناسی ۲ می‌توانیم بهتر کار کنیم. البته هضم و فهم جامعه‌شناسی برای بچه‌های دوره دبیرستان بسیار سخت است. **عظیمی:** همه همکاران بر این عقیده هستند که این کتاب اصلاً علوم اجتماعی نیست و بیشتر به فلسفه گرایش دارد!

حسینی: اتفاقی که دارد می‌افتد، دقیقاً تکرار تجربه‌ای است که حالا خانم مهدوی شاید بهتر به‌خاطر داشته باشند. ۲۰-۱۰ سال قبل، آقای دکتر رجب‌زاده کتاب جامعه‌شناسی ۲ را نوشت که کتاب علمی خوبی بود، ولی معلمین نمی‌توانستند آن را تدریس کنند. جالب است باز هم شتاب‌زده آمدند و بدون این که فرهنگ را در نظر بگیرند، کتاب دیگری نوشتند به این کتاب آن قدر اعتراض شد و آن قدر از حجم آن کم کردند که شد ۸۰ صفحه از ۲۰۰ صفحه! آن زمان معلمین علوم اجتماعی می‌گفتند که ما وقت اضافی می‌آوریم. من دلم می‌سوزد که چرا کتاب آقای دکتر رجب‌زاده را که تازه جا افتاده بود و تازه معلم با آن مانوس شده بود و نظام را می‌شناخت و کتابهایش هم جواب می‌داد، کنار می‌گذاریم و باز کتاب آقای دیگری را می‌آوریم که اصلاً در جایگاه دکتر رجب‌زاده نیست! حس می‌کنم همان اتفاقات خواهد افتاد. باز اعتراض‌ها می‌آیند که کتاب سخت است و مؤلفان هم با دست‌پاچگی تکه‌هایی از آن را می‌زنند و کتاب ابتری را به بچه‌ها درس خواهیم داد.

همدانی: آقای دکتر عبیوضی بر این باور بود که این کتاب یک کار کارشناسی شده بود و بازخوردهای آن را به‌طور آزمایشی از معلمین و دانش‌آموزان و دیگران گرفته‌اند. هم‌چنین بر این باور بود که باید به سمت محتوای اسلامی در حوزه جامعه‌شناسی با نگرش فلسفی و اجتماعی حرکت کنیم.

حسینی: فلسفه اسلامی باید گفته شود و ما هم موافق هستیم، ولی اگر ساده‌تر می‌شد و برای بچه‌ها قابل فهم‌تر می‌شد، بهتر بود.

مشکل این کتاب با ساده کردن حل نمی‌شود! کتاب جامعه‌شناسی ۱ یا ۲ است که بحث عدالت را دارد.

هیچ‌کدام از معلمین حاضر در جلسه‌ی کشوری که در مشهد برگزار شد، از کتاب راضی نبودند و نزدیک بود این جلسه به درگیری برسد. هیچ‌کس کتاب جامعه‌شناسی ۱ را قبول ندارد و قبول نکرده است! من از خود آقای **پارسایی** پرسیدم که شما چه کار کارشناسی انجام داده‌اید؟ گفتند: من این را یک هفته به فرزندم دادم تا بخواند و بعد فرزندم گفت من این را فهمیدم! در آن جلسه ما خیلی ناراحت شدیم. آیا بچه‌ای که در تهران در رشته‌ی ریاضی درس می‌خواند با بچه‌ای که در دهات مشهد در رشته‌ی انسانی درس می‌خواند، یکی است؟ شما می‌آیید بچه‌ی خود را نمونه‌ی آماری قرار می‌دهی؟ کتاب مطالعات را که ایشان می‌فرمایند، ما خیلی اصلاح کردیم! این کار از سال ۶۶ تا ۷۶ طول کشید تا ما توانستیم بگوییم این کتاب تازه جا افتاده است!

● **خانم عظیمی، جامعه‌شناسی اسلامی یا دینی چه فرقی با جامعه‌شناسی غیر اسلامی، یا غیردینی دارد؟ شما چه تعریفی دارید؟**

عظیمی: ایرادی که ما داریم این است که آن را کپی کردیم. ما باید آن را بومی می‌کردیم و اسلامی هم می‌شد. باید آن را با باورها و معیارهای جامعه تطبیق بدهیم. خودکشی در اروپا به خاطر رفاه است ولی در کشور علت آن تفاوت دارد. زیرساختهای فکری بسیار متفاوت هستند.

● **خانم مهدوی به نظر شما جامعه‌شناسی غربی جامعه‌شناسی دینی نیست؟ آنها از وحی و دین خاصی تبعیت نمی‌کنند؟**

مهدوی: ما نباید اینها را تفکیک کنیم. باید پاسخ مسائل جامعه‌شناسی را از منابع و باورهای اسلامی خودمان پیاده کنیم. اینها را نمی‌شود تفکیک کرد، اما می‌توان مطابقت داد. ما می‌توانیم در مثال برای هنجارها و ارزشها در کلاس، مثالهای خودمان را مطرح کنیم؛ مانند اخلاق و فرهنگ خودمان!

● **آقای حسینی چه گامهایی در زمینه‌ی جامعه‌شناسی برداشته‌اید؟ چه کارهایی باید کرد؟**

حسینی: ما گاهی سیاست را با دین یکی کرده‌ایم یا دین را دنباله‌ی سیاست دانسته‌ایم یکی از دغدغه‌های ما الان این است که کتاب جامعه‌شناسی ۲ عوض شود. خود آقای دکتر رجب‌زاده شخصیت بسیار مذهبی دارد و متدین و عارف است. هر چه می‌گفت هم برای اسلام می‌گفت! همه چیز را می‌گفت! موضوع پدیدارشناسی که آقای **کچوئیان** در این کتاب به ظاهر اسلامی مطرح کرده، متعلق به غربیهاست. این کار را سخت‌تر می‌کند؛ به جای این که آسانها را بگوییم سختها را گفته‌ایم.

● **آقای صالحی، دغدغه‌های شما در سطح راهنمایی در آموزش علوم اجتماعی چیست؟**

حسینی: چرا کتابها را منطقه‌ای نمی‌کنند؟ کتابی که از تهران تا روستاهای دورافتاده تدریس می‌شود، خود مشکل بزرگی است! واقعیت

این است که عینک امانیستی همه‌جا را گرفته است و آدمها همه همین شکلی شده‌اند.

صالحی: بحثی که من داشتم و می‌خواستم به جای دیگری برسد، این است که خود اینها دغدغه است؛ چه حکومتی باشد چه نباشد. نگاه ما یک نگاه متمرکز آموزشی است. با این وضعیت همه دانش‌آموزان در همه‌جا باید همین کتاب را بخوانند و نظام ارزش‌یابی ما هم بر همین اساس است. الان ما بر نمره و قبولی تأکید می‌کنیم.

● **نظام ما از سه نظام متمرکز، نیمه‌متمرکز و غیرمتمرکز کدام را شامل می‌شود؟**

صالحی: من متمرکز را رد می‌کنم، چون مطالعه عمیق‌تری نداشته‌ام. برای مثال، در مجلات رشد از قول همکاران نقل شده بود که کتاب از جایی ارسال نمی‌شود، بلکه آن را براساس نیازهای آموزشی هر منطقه و ناحیه انتخاب می‌کنند و تدریس می‌کنند.

● **آخرین مطلبی که به درد مخاطب بخورد و شما مهم می‌دانید که مطرح شود را بفرمایید!**

عظیمی: تجربه ما نسبت به آموزش علوم اجتماعی این است که شاگرد می‌آید از اول تا آخر سال یک درسی را می‌خواند و بعد در امتحان استانی شرکت می‌کند. باید برای نظر معلمین در تدوین و تألیف دروس اهمیت قائل شوند. دید جامعه نسبت به علوم اجتماعی دید خوبی نیست.

مهدوی: بچه‌ها خسته و بی‌حوصله هستند و مدارس براساس برنامه امتحانی، بدون در نظر گرفتن شرایط دانش‌آموزان، امتحان برگزار می‌کنند.

حسینی: آقای افسری روزی رئیس سازمان بود و گفت بیایید از امروز صبح تا ظهر بگوییم مشکلات آموزش و پرورش چیست و راه‌حل آنها کدام است. مشکل الان همین بخش‌نامه‌ای است که آمده است. صبح بخش‌نامه کرده‌اند که تا ظهر، هم مشکل را دربیابید و هم جواب آن را. یکی از اشکالات شتاب‌زدگی در برنامه‌های ماست. چه عجله‌ای دارید؟! با مطالعه کار کنید و به نتیجه بیندیشید.

؟: مرکز نشینان بدانند که ما هم می‌توانیم خود من پارسال به بچه‌های گردشگری جزوه دادم و الان هم نمونه‌های آن وجود دارد. از وزارت‌خانه آمدند گفتند شما برای بچه‌های کاردانی در سطح فنی و حرفه‌ای کتاب بنویسید. ما از آفریقای جنوبی یا از برزیل که گردشگر نداریم، اما آنها گفتند اروپا و آمریکا را حذف کنید و از برزیل و آفریقای جنوبی درباره گردشگری بنویسید. به من گفتند از طریق شرکت با شما کار می‌کنیم و ۵۰ هزار تومان دادند؛ درحالی که شش ماه برای انجام این کار وقت گذاشتم. جزوه من در همه جای مشهد تدریس می‌شود، در صورتی که نه ابلاغی به من دادند نه امتیازی.

صالحی: در منطقه ما، در انتخاب معلم نمونه شش نفر سهمیه داشتند که هر شش نفر از مدیر آن بودند! یعنی یک معلم هم انتخاب نشد!